

مدیریت ورزشی _ بهمن و اسفند ۱۳۹۵
دوره ۸، شماره ۶، ص: ۸۶۰-۸۴۵
تاریخ دریافت: ۹۲ / ۰۲ / ۲۱
تاریخ پذیرش: ۹۲ / ۱۲ / ۱۸

ارتباط بین هوش هیجانی و اثربخشی تیمی دانشجویان دختر و پسر شرکت کننده در یازدهمین المپیاد فرهنگی ورزشی دانشجویان کشور

امید جمشیدی*^۱ - محمود گودرزی^۲ - زینت آنت^۳ - امین شری^۴

۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران

۲. استاد، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران

۴. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

چکیده

هیجانان و هوش حاکم بر آنها نقش مهمی در موقعیت‌های بین فردی دارد. هدف از تحقیق حاضر بررسی تأثیر هوش هیجانی بر میزان اثربخشی افراد در تیم است. جامعه آماری تحقیق تیم‌های ورزشی شرکت کننده در یازدهمین المپیاد ورزشی (۱۳۹۱)، شامل ۱۹۵۲ نفر بودند. ۳۲۲ ورزشکار مطابق جدول مورگان انتخاب شدند. ابزار اندازه‌گیری پرسشنامه هوش هیجانی سیریا شرینگ و پرسشنامه اثربخشی تیمی بیلی بتن و کولین ویلسون (۲۰۰۲) بود. داده‌ها به کمک روش همبستگی پیرسون و آزمون t مستقل، تجزیه و تحلیل شد. نتایج نشان داد رابطه معناداری بین هوش هیجانی و اثربخشی شرکت کنندگان رشته‌های تیمی وجود دارد ($P < 0/01$). همچنین نتایج آزمون t، تفاوت معناداری را بین هوش هیجانی و نیز اثربخشی در دو گروه دختران و پسران نشان داد. خودتنظیمی از مؤلفه‌های هوش هیجانی بیشترین ارتباط را با اثربخشی دارد.

واژه‌های کلیدی

اثربخشی تیمی، المپیاد فرهنگی ورزشی دانشجویان، خودتنظیمی، رشته‌های تیمی، هوش هیجانی.

مقدمه

امروزه علم به قدرت و نفوذ هیجانات ذهنی پی برده و در حال کشف تبیین جایگاه هیجان‌ها و احساسات در فعالیت‌ها، رفتارها، حرکات و شخصیت انسانی است. در زمینه مطالعات هوش نیز، مطالعه تفاوت‌های فردی با بررسی و سنجش هوش آغاز شد و پیاژه^۱ هوش را نوعی انطباق فرد با جهان خارج تلقی کرد. در واقع، او بر این باور است که انسان برای ادامه حیات خود باید وسایل انطباق خویش با محیط را فراهم آورد. سیر مطالعات از هوش منطقی به سمت هوش هیجانی حرکت کرده است. تا مدت‌ها قبل عقیده بر این بود که شرط موفقیت در زندگی و محیط کار و تحصیل فقط داشتن توانایی‌های فنی و تحلیلی است، اما در حال حاضر نظریه‌پردازان مدیریت منابع انسانی و مهارت‌های اجتماعی به این نتیجه رسیده‌اند که یک عنصر ضروری دیگر به نام هوش هیجانی برای موفقیت افراد لازم است. هوش هیجانی از دیدگاه گلمن^۲ (۲۰۰۱)، هوش مرکب، شامل توانایی‌های شناختی و جنبه‌های شخصیتی است و آن را به‌عنوان ظرفیت بازشناسی احساسات خود و دیگران، برانگیختن خود و مدیریت درست هیجان‌های خود در روابطمان با دیگران تعریف می‌کند (۲۷، ۵). هوش هیجانی بیانگر این است که در روابط اجتماعی و در شرایط خاص چه عملی مناسب است؛ یعنی فرد در شرایط مختلف بتواند امید را در خود همیشه زنده نگه دارد (۲۵). منظور از اثربخشی نیز در واقع انجام دادن کارهای درست است. از نگاه دراکر^۳، اثربخشی کلید موفقیت افراد در تیم محسوب می‌شود (۸، ۱۰).

هوش هیجانی در تشریح و تفسیر جایگاه هیجان‌ها و احساسات در توانمندی‌های انسانی نقش دارد (۱۳). موضوع هوش هیجانی نخستین بار توسط دکتر پیترسالوری و دکتر جان مایر در سال ۱۹۹۰ مطرح شد؛ هوش هیجانی ظرفیت ادراک، شناخت کاربرد و مدیریت هیجان‌ها در خود و دیگران است، اما گلمن نخستین کسی بود که مفهوم هوش هیجانی را در سطح وسیعی در کتاب خود مطرح کرد. از دیدگاه گلمن هوش هیجانی هوشی مرکب شامل توانایی‌های شناختی و جنبه‌های شخصیتی است و در واقع ظرفیت بازشناسی احساسات خود و دیگران، برانگیختن خود و مدیریت درست هیجان‌ها در روابط است (۳۰، ۳۲، ۳۳، ۱).

-
- 1 . Piaget
 - 2 . Goleman
 - 3 . Peter Drucker

به نظر چرنیس^۱ (۲۰۰۱) هوش هیجانی با تأکید بر زمینه‌هایی چون به‌کارگیری و حفظ و نگهداری و توسعه و بهسازی افراد مستعد در کار گروهی، در بهبود روحیه مؤثر است و با افزایش تعهد، نوآوری، کارایی و ... به اثربخشی افراد کمک می‌کند. واقعیت این است که افراد با هوش هیجانی بالاتر می‌توانند با موفقیت بیشتری با مشکلات موجود در محیط تیمی و زندگیشان مقابله کنند و از سلامت بیشتری برخوردار باشند (۲۲، ۱۴).

مارتینز^۲ (۱۹۹۷) هوش هیجانی را مجموعه‌ای از مهارت‌های غیرشناختی، توانایی‌ها و ظرفیت‌ها می‌داند که ظرفیت فرد را در مقابل فشارهای بیرونی مقاوم می‌سازد (۱۷). از نظر گلمن، هوش هیجانی هم شامل عناصر درونی و هم بیرونی است. عناصر درونی شامل میزان خودآگاهی، خودانگاره، احساس استقلال و ظرفیت خودشکوفایی و قاطعیت و عناصر بیرونی شامل روابط بین‌فردی، سهولت در همدلی و احساس مسئولیت است (۲۴).

تاکنون مدل‌های زیادی برای هوش هیجانی معرفی شده است. نظریه هوش هیجانی گلمن جامع‌ترین و معتبرترین نظریه در میان مدل‌های هوش هیجانی است که در تحقیق حاضر نیز از مدل شایستگی‌های گلمن استفاده شده که اجزای تشکیل‌دهنده آن به شرح ذیل آمده است (۲۵، ۲۴):

۱. خودآگاهی: شناخت احساسات و عواطف خود به‌طور آنی و عمیق و استفاده از آن برای راهنمایی در تصمیم‌گیری‌های مناسب.

۲. خودتنظیمی: توانایی مهار و مدیریت هیجانات و حفظ آرامش برای کمک به تصمیم‌گیری و بهره‌گیری از توانمندی‌های شناختی به‌نحو مناسب، هماهنگی با هیجانات به‌نحوی که به‌جای اختلال در کارها، در تسهیل آن به ما یاری رساند.

۳. خودانگیزگی: استفاده از عمیق‌ترین علایق خود برای حرکت دادن و هدایت به سمت اهداف تا کمک کند فرد پیشقدم شود و در جهت تکامل و پیشرفت تلاش کند، نه اینکه منتظر بماند تا یک واقعه یا شخصی باعث ایجاد انگیزه و حرکت در او شود.

۴. مهارت همدلی: درک آنچه افراد احساس می‌کنند، توانایی در نظر گرفتن دیدگاه‌های دیگران و توسعه حسن تفاهم و هماهنگی با افراد گوناگون به‌منظور ارتقای کار گروهی (به‌ویژه در محیط کاری و سازمانی).

1. Cherniss
2. Martenez

۵. مهارت‌های اجتماعی: در روابط با دیگران، به‌خوبی کنار آمدن با عواطف خود و دیگران، فهم دقیق موقعیت‌ها و شبکه‌های اجتماعی، مهارت خوب گوش کردن و خوب ابراز وجود کردن، حل تضادها و تعارض‌ها و استفاده از این مهارت‌ها برای متقاعدسازی رهبری و مدیریت (گلمن) (۲۶، ۱۲، ۹).

هوش هیجانی همچنین شامل ظرفیت فرد برای قبول واقعیت‌ها، انعطاف‌پذیری، توانایی حل مشکلات هیجانی و توانایی مقابله با استرس تعریف می‌شود. افراد در هر جایگاهی که با دیگران در تعامل‌اند، اگر بخواهند بهره‌وری بهینه و عملکرد خوبی داشته باشند و در سابقه همکاری با دیگران به اهدافشان برسند، باید در کنار توانایی فنی و حرفه‌ای، به برخی از ویژگی‌های خاص که مجموعه آنها هوش هیجانی نامیده می‌شود، مجهز باشند، چراکه همین توانایی‌ها هستند که در مواجهه با دیگران یا موقعیت‌ها شخص را هوشیار، آرام، محترم، مراعات‌کننده، حمایتگر و ... می‌سازند.

ملکی و سید کلان (۱۳۸۷) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که از بین پنج مؤلفه هوش هیجانی سه مؤلفه خودانگیزگی، همدلی و مهارت‌های اجتماعی پیش‌بینی‌کننده‌های مناسبی برای اثربخشی اعضای هیأت علمی‌اند (۱۴).

کالدون و اسینکس^۱ (۱۹۹۸)، اثربخشی را میزان دستیابی به اهداف دانسته‌اند (۱۰). همچنین اثربخشی تیمی را می‌توان به‌عنوان ارزش آن تیم برای ذی‌نفعان خود تعریف کرد (۱۶). اثربخشی از دیدگاه التون مایو^۲، اهمیت عوامل احساسی و عاطفی مفهوم اجتماعی در مورد تلاش گروه، نیاز به تشخیص مدیریت و مهارت‌های بین‌فردی تعریف شده است (۱۰).

پژوهشگران اعتقاد دارند که افراد با برخورداری از هوش هیجانی، به زندگی خود نظم و ثبات می‌بخشند، به‌طوری‌که هر شخص با هوش هیجانی بالا، احساسات خود را به‌خوبی می‌شناسد و آن را هدایت می‌کند (و احساسات دیگران را نیز درک و به روشی اثربخش با آن برخورد می‌کند) (۲۵، ۱۲).

علاوه‌بر تعاملات در زندگی، هوش هیجانی در زمینه ورزش نیز بسیار تأثیرگذار است. ورزشکاران موفق، مستعد داشتن توانایی‌های ویژه در هوش هیجانی‌اند، آنها ویژگی‌هایی مانند تهییج و برانگیختن خود، استقامت و پایداری در مقابل شکست، از دست ندادن روحیه، پس‌راندن افسردگی، همدلی، صمیمیت، همکاری گروهی و امید دارند، به همین دلیل، هوش هیجانی در جنبه‌های مختلف ورزشی اهمیت دارد. به‌نظر می‌رسد افراد با توانایی بالا در ارتباط برقرار کردن با سایر افراد و همین‌طور محیط،

1 . Caldon & Snakes

2 . Elton Mayo

در گروه یا تیم مؤثرتر واقع می‌شوند. اثربخشی قابلیت بهره‌وری از محیط برای کسب منابع ارزشمند جهت استمرار عملکرد است و افراد و تیم‌ها برای ارتقای بهره‌وری و کسب رضایت هم برای خود و هم برای دیگران در جهت اثربخشی گام برمی‌دارند.

اثربخشی در تیم نتیجه همکاری و علاقه‌مندی است و مقوله هوش هیجانی می‌تواند یکی از دلایل و عوامل موفقیت در آن به‌شمار آید؛ چنانکه هوش هیجانی فردی به هوش هیجانی گروهی کمک می‌کند و هوش هیجانی گروه نیز در هوش هیجانی تک‌تک اعضای تیم مؤثر است (۱۰). در این زمینه محقق بر آن شد تا به بررسی هوش هیجانی دانشجویان شرکت‌کننده در یازدهمین المپیاد ورزشی دانشجویان کشور و ارتباط با اثربخشی تیمی آن‌ها بپردازد.

در دهه اخیر، شاهد ظهور و گسترش بی‌سابقه تحقیقات علمی درباره هیجانات بوده‌ایم که به نمونه‌هایی از آنها اشاره شد. علت این تمرکز ویژه را شاید بتوان بیش از هر چیز حساسیت و اهمیت نگران‌کننده این موضوع در سال‌های اخیر دانست. طرز برخورد هر شخص در زندگی از ظرفیت‌های احساسی و زیربنایی نشأت می‌گیرد و توانایی برای کنترل عواطف و احساسات در شخصیت هر فرد ریشه دارد (۱۰، ۲). در دهه‌های اخیر مهارت‌های بین‌فردی به‌عنوان جزئی اساسی در اثربخشی مطرح شده است و امروزه افراد می‌توانند دیگران را برانگیزانند و عقاید مثبتی را در محیط رواج دهند و حسن همکاری با دیگران را ایجاد کنند. در همین زمینه افراد تیم باید بتوانند به‌خوبی عمل کنند و روابط خوب و پسندیده‌ای با سایر هم‌تیمی‌های خود داشته باشند؛ این افراد برای اینکه عملکرد بهتری داشته باشند، نیازمند هوش هیجانی و بهره‌گیری از آن خواهند بود (۱۰).

با توجه به گرایش‌ها و توجهات روزافزونی که نسبت به روابط انسانی در میان ورزشکاران و روابطشان می‌شود و این نکته که هوش هیجانی افراد ممکن است بر اثربخشی تیمی آنها تأثیرگذار باشد، انتظار می‌رود که هوش هیجانی ورزشکاران شرکت‌کننده در یازدهمین المپیاد ورزشی کشور پیش‌شرط لازم برای اثربخشی تیمی آنها باشد و به افراد کمک کند که به شکلی مؤثر با احساسات و عواطف دیگران برخورد کنند و نیازهای دیگران را تشخیص دهند و آنها را به‌طور مؤثری برانگیزانند.

تاکنون در داخل کشور تحقیقات کمی در زمینه بررسی رابطه هوش هیجانی و اثربخشی تیمی صورت پذیرفته است. با توجه به اینکه بالا بودن هوش هیجانی در ورزشکاران می‌تواند تیم‌ها را در راستای تحقق و پیشبرد اهداف تعیین‌شده یاری رساند و از آنجا که این احتمال وجود دارد که هوش هیجانی با اثربخشی تیمی در ارتباط باشد، ضروری است این مسئله بررسی شود.

هدف از تحقیق حاضر عبارت است از بررسی تأثیر هوش هیجانی به معنای توانایی کنترل احساس‌ها و عواطف خود و دیگران و همچنین توانایی تمایز قائل شدن بین آنها و استفاده از این اطلاعات به‌عنوان راهنما برای فکر و عمل (۶)، و اثربخش بودن یک فرد در کمک به اهداف گروهی تیم و همچنین تأثیری که بر سایر اعضا به‌عنوان عضوی از تیم ورزشی دارد.

بر این اساس سؤال‌های تحقیق به شرح زیر بررسی می‌شوند:

- آیا بین هوش هیجانی و اثربخشی در تیم، بین شرکت‌کنندگان دختر و پسر رشته‌های تیمی در یازدهمین المپیاد ورزشی ارتباط معنادار وجود دارد؟ در صورتی که ارتباط وجود داشته باشد، آیا میزان آن در دو گروه دختر و پسر متفاوت است؟

- آیا تفاوت معناداری بین دانشجویان دختر و پسر در برخورداری از هوش هیجانی و اثربخشی وجود دارد؟ در صورت وجود تفاوت، میزان آن در کدام گروه بیشتر است؟

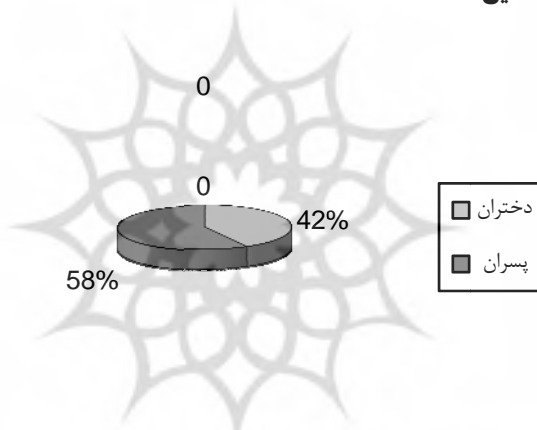
روش تحقیق

پژوهش حاضر، به لحاظ هدف کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها توصیفی از نوع پیمایشی است، که به شکل میدانی انجام گرفته است. جامعه آماری تحقیق تمامی دانشجویان دختر و پسر شرکت‌کننده در رشته‌های ورزشی تیمی یازدهمین المپیاد فرهنگی ورزشی دانشجویان است (۱۹۵۲ نفر). نمونه آماری تحقیق با استفاده از جدول مورگان ۳۲۲ نفرند که از این میان ۸۳۲ نفر دانشجوی دختر و ۱۱۲۰ نفر دانشجوی پسر هستند. از بین تمامی تیم‌های شرکت‌کننده در المپیاد ۱۰ تیم از تیم‌های شرکت‌کننده دختر و ۱۴ تیم از تیم‌های شرکت‌کننده پسر در نظر گرفته شدند و از میان آنها ۱۳۵ نفر از بین تیم‌های منتخب دختران و ۱۸۷ نفر از تیم‌های منتخب پسران به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. برای اندازه‌گیری هوش هیجانی از پرسشنامه هوش هیجانی سبیریا شرینگ استفاده شد. این پرسشنامه شامل ۳۳ سؤال است که مؤلفه‌های هوش هیجانی (خودآگاهی، خودانگیزی، خودانگیزی، همدلی و مهارت اجتماعی) را در اندازه‌های پنج‌درجه‌ای لیکرت از نمره یک (همیشه) تا پنج (هیچ وقت) اندازه‌گیری می‌کند. ضریب پایایی کل آزمون ۰/۸۴ است و پایایی مؤلفه‌های آن با استفاده از آلفای کرونباخ بین ۰/۷۳ تا ۰/۸۲ به‌دست آمده است. پژوهشگران دیگری همچون دوین، نوری و حیدری از این پرسشنامه در پژوهش‌های خود استفاده کرده‌اند.

برای ارزیابی اثربخشی نیز از پرسشنامه ۳۱ سؤالی که برگرفته از تحقیق بیلی باتمن و کولین ویلسون^۱ است، استفاده شد. پایایی این آزمون نیز با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۸ به دست آمد. پرسشنامه یادشده پنج حیطه هم‌افزایی، اهداف عملکرد، مهارت‌ها، استفاده از منابع و نوآوری را در مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت اندازه‌گیری می‌کند (۱۹).

تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی صورت گرفت، که در آمار توصیفی از میانگین، انحراف استاندارد و نمودار برای نشان دادن فراوانی و در بخش آمار استنباطی پس از تأیید شرایط آمار پارامتریک، از آزمون همبستگی پیرسون و t مستقل در نرم‌افزار SPSS استفاده شد. سطح معناداری آزمون‌ها نیز $P < ۰/۰۵$ در نظر گرفته شد.

نتایج و یافته‌های تحقیق



شکل ۱. نمودار وضعیت جنسیتی نمونه مورد مطالعه

با توجه به شکل ۱، ۵۸ درصد نمونه مورد مطالعه پسران (۱۸۷ نفر) و ۴۲ درصد دختران (۱۳۵ نفر) بودند.

در جدول ۱، یافته‌های توصیفی مانند میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره هوش هیجانی و ریزمؤلفه‌هایش و همچنین متغیر اثربخشی به‌طور کلی ارائه شده است.

1 . Billy Bateman , Colin F. Wilson

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار و حداقل و حداکثر نمره‌های مؤلفه‌های هوش هیجانی و اثربخشی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداکثر نمره	حداقل نمره	تعداد
اثربخشی	۱۳۰/۸۲	۱۰/۳۲	۱۵۴	۱۰۰	۳۲۲
هوش هیجانی	۱۰۶/۳۶	۱۱/۹۶	۱۳۹	۷۲	۳۲۲
خودآگاهی	۲۷/۰۵	۳/۴۳	۳۵	۱۱۶	۳۲۲
خودتنظیمی	۲۱/۸۰	۴/۴۲	۳۰	۱۰	۳۲۲
خودانگیزشی	۲۴/۶۹	۳/۱۶	۳۲	۱۹	۳۲۲
همدلی	۱۹/۹۵	۲/۹۵	۳۰	۱۳	۳۲۲
مهارت اجتماعی	۱۲/۵۵	۳/۳۹	۱۹	۵	۳۲۲

با توجه به جدول، از میان مؤلفه‌های هوش هیجانی بالاترین میانگین به خودآگاهی اختصاص دارد و مهارت اجتماعی کمترین میانگین را دارد.

در جدول‌های ۲ و ۳، آزمون t مستقل برای مقایسه میانگین‌های متغیر هوش هیجانی و اثربخشی در دو گروه مستقل دختر و پسر بررسی شده است.

جدول ۲. آزمون t مستقل برای مقایسه میانگین هوش هیجانی دختران و پسران

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه آزادی	سطح معناداری	نتیجه
پسر	۱۸۷	۱۰۸/۳۷	۱۲/۳۸۵۷۶	-۳/۲۷۴	۳۲۰	۰/۰۰۱	معنادار
دختر	۱۳۵	۱۰۳/۳۴	۱۰/۶۶۱۳۵				

نتایج آزمون t مستقل نشان می‌دهد که بین میانگین هوش هیجانی در دو گروه دختران و پسران در سطح $\alpha: 0/05$ تفاوت معناداری وجود دارد؛ به این معنا که میزان متغیر هوش هیجانی در گروه پسران با تعداد ۱۸۷ نفر و میانگین ۱۰۸/۳۷ نفر به نسبت گروه دختران با تعداد ۱۳۵ نفر و میانگین ۱۰۳/۳۴ بیشتر است.

جدول ۳. آزمون t مستقل برای مقایسه میانگین اثربخشی دختران و پسران

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه آزادی	سطح معناداری	نتیجه
پسر	۱۸۷	۱۳۲/۹۱	۱۰/۱۴۷۸۲	-۳/۹۷۸	۳۲۰	۰/۰۰۱	معنادار
دختر	۱۳۵	۱۲۷/۶۹	۹/۸۱۹۸۵				

نتایج آزمون t مستقل نشان می‌دهد که بین میانگین اثربخشی در دو گروه دختران و پسران در سطح $\alpha : ۰/۰۵$ تفاوت معناداری وجود دارد؛ به این معنا که میزان متغیر اثربخشی در گروه پسران با تعداد ۱۸۷ نفر و میانگین ۱۳۲/۹۱ نفر به نسبت گروه دختران با تعداد ۱۳۵ نفر و میانگین ۱۲۷/۶۹ بیشتر است.

در جدول ۴، ۵ و ۶ ضرایب همبستگی بین دو متغیر هوش هیجانی و اثربخشی در تیم، ابتدا در کل و در ادامه با تفکیک گروه‌ها به دختر و پسر و در نهایت با در نظر گرفتن مؤلفه‌های هوش هیجانی در سه سطح، گروه دختران، پسران و مجموع آنها به تفکیک ارائه شده است.

جدول ۴. نتیجه ضریب همبستگی بین هوش هیجانی و اثربخشی کل دانشجویان

متغیر	r	سطح معناداری	تعداد	نتیجه
هوش هیجانی و اثربخشی	۰/۶۲۷	۰/۰۰۱	۳۲۲	معنادار

با توجه به جدول ۴، بین هوش هیجانی و اثربخشی دانشجویان دختر و پسر با ضریب همبستگی $\alpha : ۰/۰۵$ و سطح $\alpha : ۰/۰۵$ همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد ($r = ۰/۶۲۷, P = ۰/۰۰۱$).

جدول ۵. نتایج ضریب همبستگی بین هوش هیجانی و اثربخشی دختران و پسران

متغیر	جنسیت	r	سطح معناداری	تعداد	نتیجه
هوش هیجانی و اثربخشی	پسر	۰/۷۳۴	۰/۰۰۱	۱۸۷	معنادار
هوش هیجانی و اثربخشی	دختر	۰/۳۸۱	۰/۰۰۱	۱۳۵	معنادار

با توجه به نتایج جدول ۵، بین هوش هیجانی و اثربخشی دانشجویان پسر با ضریب همبستگی $\alpha : ۰/۰۵$ و سطح $\alpha : ۰/۰۵$ همبستگی و رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($r = ۰/۷۳۴, P = ۰/۰۰۱$). همچنین بین هوش هیجانی و اثربخشی دانشجویان دختر با ضریب همبستگی $\alpha : ۰/۰۵$ و سطح $\alpha : ۰/۰۵$

نیز همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد ($r = 0/381, P = 0/001$). همان‌طور که از مقایسه شدت همبستگی در گروه پسران و دختران مشخص است، شدت رابطه دو متغیر هوش هیجانی و اثربخشی در گروه پسران بیشتر از گروه دختران است.

جدول ۶. نتایج ضریب همبستگی بین مؤلفه‌های هوش هیجانی با اثربخشی دانشجویان

متغیر	جنسیت	r	سطح معناداری	تعداد	نتیجه
خودآگاهی و اثربخشی	کل	۰/۳۹۷	۰/۰۰۱	۳۲۲	معنادار
	پسر	۰/۵۳۹	۰/۰۰۱	۱۸۷	معنادار
	دختر	۰/۱۳۹	۰/۱۷۴	۱۳۵	معنادار نیست
خودتنظیمی و اثربخشی	کل	۰/۵۲۴	۰/۰۰۱	۳۲۲	معنادار
	پسر	۰/۶۶۵	۰/۰۰۱	۱۸۷	معنادار
	دختر	۰/۲۴۰	۰/۰۱۸	۱۳۵	معنادار
خودانگیزی و اثربخشی	کل	۰/۳۱۲	۰/۰۰۱	۳۲۲	معنادار
	پسر	۰/۳۵۶	۰/۰۰۱	۱۸۷	معنادار
	دختر	۰/۲۳۹	۰/۰۱۸	۱۳۵	معنادار
همدلی و اثربخشی	کل	۰/۴۷۶	۰/۰۰۱	۳۲۲	معنادار
	پسر	۰/۵۰۹	۰/۰۰۱	۱۸۷	معنادار
	دختر	۰/۳۷۲	۰/۰۰۱	۱۳۵	معنادار
مهارت اجتماعی و اثربخشی	کل	۰/۳۷۴	۰/۰۰۱	۳۲۲	معنادار
	پسر	۰/۴۴۴	۰/۰۰۱	۱۸۷	معنادار
	دختر	۰/۱۴۶	۰/۱۵۲	۱۳۵	معنادار نمی‌باشد

براساس نتایج جدول ۶ و با توجه به ضرایب همبستگی مشاهده شده، در سطح $\alpha = 0/05$ و $\alpha = 0/01$ رابطه مثبت و معناداری بین خودآگاهی، خودتنظیمی، خودانگیزی، همدلی و مهارت اجتماعی با اثربخشی در کل دانشجویان و همچنین در گروه پسران وجود دارد. ولی، با وجود رابطه و همبستگی مثبت معنادار بین خودتنظیمی، خودانگیزی، همدلی با اثربخشی در گروه دختران، نتایج نشان می‌دهد که بین خودآگاهی و مهارت اجتماعی با اثربخشی در دختران رابطه معناداری وجود ندارد و میزان همبستگی آنها حداقل است.

نتایج حاصل از مقایسه شدت‌های همبستگی نشان می‌دهد که در رابطه مؤلفه‌های هوش هیجانی با اثربخشی، در تمامی موارد گروه پسران بالاترین میزان همبستگی را دارند و همبستگی بین خودتنظیمی با اثربخشی در کل دانشجویان دارای بیشترین مقدار و بالاترین شدت است. در بین پسران خودتنظیمی با اثربخشی و در بین دختران همدلی با اثربخشی دارای بیشترین مقدارند.

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی یافته‌های تحقیق بیانگر وجود رابطه مثبت بین هوش هیجانی و اثربخشی شرکت‌کنندگان در رشته‌های تیمی المپیک ورزشی است. هیچ یافته‌ای در جست‌وجوها که شامل دو متغیر تحقیق باشد و با نتایج پژوهش حاضر مقایسه شود، به‌دست نیامد، هرچند این نتایج با نتایج یافته‌های ملکی و سیدکلان (۱۳۸۷)، مختاری‌پور (۱۳۸۶)، عیدی (۱۳۸۶)، بارساد^۱ (۲۰۰۰)، چرنیس (۲۰۰۱)، وانگ و لاو^۲ (۲۰۰۴) و درو و تودل^۳ (۲۰۰۶)، مبنی بر وجود رابطه معنادار بین هوش هیجانی و کارایی، عملکرد و اثربخشی مدیران، کارکنان و استادان همسوست. کوب، ریتز و ریکرز^۴ (۲۰۰۱) نیز در تحقیقات خود به وجود رابطه معنادار میان هوش هیجانی و توانایی رهبری در تیم دست یافتند (۱۴). یوسفی (۱۳۸۵) در بررسی رابطه هوش هیجانی و مهارت‌های ارتباطی به این نتیجه رسید که بین این دو، رابطه معنادار وجود دارد و افراد دارای هوش هیجانی بالا از تعامل‌های اجتماعی مثبت‌تری برخوردارند و در روابط بین فردی موفق‌ترند (۷). در همین زمینه بشارت (۱۳۸۶) نیز در بررسی خود در مورد هوش هیجانی و مشکلات بین‌شخصی همبستگی معنادار را گزارش کرد. او بیان کرد که هوش هیجانی با زمینه‌های مختلف مشکلات همچون قاطعیت، مردم‌آمیزی، صمیمیت و مسئولیت‌پذیری، همبستگی معنادار دارد که با نتایج تحقیق حاضر همسوست (۱).

نتیجه دیگر این تحقیق، بیانگر وجود تفاوت معنادار بین هوش هیجانی در دو گروه پسران و دختران است. با توجه به بالاتر بودن میانگین هوش هیجانی در پسران به نسبت دختران می‌توان نتیجه گرفت که هوش هیجانی در گروه پسران بیشتر از گروه دختران است. از بین مؤلفه‌های هوش هیجانی خودآگاهی، دارای بیشترین میانگین و مهارت اجتماعی دارای کمترین میانگین هستند. نتایج حاصل از

1. Barsade
2. Wong & Law
3. Drew & Todd
4. Kobe Rickers & Reite

مقایسه اثربخشی نیز وجود تفاوت معنادار را در دو گروه نشان می‌دهد. یافته‌ها حاکی از این است که میزان اثربخشی در گروه پسران با وجود دارا بودن میانگین بالاتر از گروه دختران بیشتر است. با توجه به نمودار ۱، پسران (۱۸۷ نفر) در نمونه آماری ۵۸ درصد و دختران (۱۳۵ نفر)، ۴۲ درصد توزیع نمونه‌گیری را تشکیل می‌دهند. با بررسی رابطه هوش هیجانی و اثربخشی به‌طور مجزا در دو گروه دختران و پسران، نتایج نشان می‌دهد که میزان این همبستگی و رابطه در گروه پسران بیشتر از گروه دختران است.

از یافته‌های دیگر این تحقیق، بررسی میزان همبستگی بین ریزمتغیرهای هوش هیجانی با اثربخشی در تیم و همچنین مقایسه آنها در دو گروه دختران و پسران و در کل بود. نتایج حاکی از آن است که بین خودآگاهی و اثربخشی در کل و همچنین در گروه پسران رابطه معنادار وجود دارد ($P < 0/05$). ولی در مورد گروه دختران رابطه معناداری وجود ندارد ($P > 0/05$). درباره این نتیجه می‌توان گفت که اگر اعضای تیم (با توجه به تعریف خودآگاهی) برداشت درستی از واقعیت‌های وجود خویش داشته و از استعدادهای خود مطلع باشند و این خودآگاهی با وظایف و نقش‌هایشان در گروه متناسب باشد، به احساس اثربخش بودن در تیم دست می‌یابند. در این تحقیق درباره گروه دختران با توجه به معنادار نبودن رابطه، نمی‌توان به این نتیجه رسید.

از دیگر متغیرهای هوش هیجانی خودتنظیمی است که نتایج برحسب جدول ۶ نشان می‌دهد که در هر دو گروه دختر و پسر و همچنین در مجموع گروه‌ها، رابطه معناداری بین خودتنظیمی و اثربخشی وجود دارد ($P < 0/05$). از آنجا که در فرایند خودتنظیمی اعضای تیم رفتار خویش را مشاهده می‌کنند و آن را از لحاظ کمی و کیفی، اصالت و مانند آنها مورد توجه قرار می‌دهند و عملکرد خویش را با معیارهای خود ارزیابی و مقایسه کرده و به تقویت عملکردهای مطلوب خود اقدام می‌کنند، این امر موجب اثربخش بودن آنها در گروه می‌شود. همچنین نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که رابطه بین مؤلفه خودتنظیمی با اثربخشی در هر سه سطح از بالاترین میزان و شدت برخوردار است. همچنین با توجه به جدول، خودتنظیمی در گروه پسران دارای بیشترین رابطه با اثربخشی است.

نتیجه دیگر در این زمینه مربوط است به رابطه خودانگیزی و اثربخشی، که با توجه به داده‌های جدول ۶، رابطه معناداری بین این دو متغیر وجود دارد ($P < 0/05$). به‌طور معمول افراد با انگیزه درونی پیشرفت و جهت‌گیری، خودمختار و افرادی مسئولیت‌پذیر، هدف‌مدار و چالشی و سرشار از انرژی‌اند و تکالیف محوله را به شکلی مطلوب انجام می‌دهند، و این ویژگی نیز به اثربخشی منجر می‌شود. در این

زمینه نتایج تحقیق لانگهورن^۱ نشان داد که وسعت دادن به عواطف مثبت، وانمود کردن یا افراط کردن در عواطف مثبت احساس رضایت را به وجود می‌آورد (۵)، در این تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که ابراز هیجان‌های مثبت، محیط کاری خوشایندی را ایجاد می‌کند.

در مورد ریزمتغیر همدلی و ارتباط آن با اثربخشی، برحسب نتایج جدول می‌توان گفت که ارتباط معناداری بین همدلی و اثربخشی در هر سه سطح گروه دختران، پسران و مجموع آنها وجود دارد ($P < 0/05$). همدلی مؤلفه‌ای است که براساس خودآگاهی شکل می‌گیرد و نوعی مهار مردمی به حساب می‌آید. منصوری (۱۳۸۱) در تحقیق خود عنوان می‌کند که مؤلفه همدلی با احساس مسئولیت در قبال دیگران ارتباط بیشتری دارد؛ چون، هرچه افراد پیرامون یا مقابل برای ما اهمیت بیشتری داشته باشند (۱۵)، تلاش بیشتری می‌کنیم تا واکنش مناسب در قبال آنها نشان دهیم و شرط این واکنش مناسب درک نوع احساس طرف است. با توجه به آنچه گفته شد، در تحقیق حاضر با توجه به وجود رابطه معنادار بین متغیرها می‌توان نتیجه گرفت هرچه میزان همدلی اعضای تیم بیشتر باشد، اثربخشی آنها در تیم بیشتر است. نتایج این بخش با تحقیقات بشارت مبنی بر وجود رابطه معنادار بین هوش هیجانی و مردم‌آمیزی و صمیمیت و مسئولیت‌پذیری همسوست (۱). همچنین نتایج نشان داد که رابطه همدلی با اثربخشی در گروه دختران دارای بالاترین میزان است.

مؤلفه مهارت اجتماعی از ریزمتغیرهای هوش هیجانی، با توجه به داده‌های جدول، دارای ارتباط معنادار با اثربخشی در دو سطح، گروه پسران و مجموع گروه‌هاست. ولی در گروه دختران این ارتباط معنادار نیست. افراد با مهارت‌های اجتماعی بالا به‌عنوان اعضای تیم ورزشی معمولاً از محبوبیت و مقبولیت بیشتری نزد دیگران برخوردارند، به همین دلیل نسبت به سایرین اثرگذارترند. نتایج این بخش با یافته‌های یوسفی، مبنی بر وجود رابطه معنادار بین هوش هیجانی و مهارت‌های اجتماعی همسوست. به این معنا که افراد دارای هوش هیجانی بالا از تعامل‌های اجتماعی مثبت‌تری برخوردارند و در روابط بین‌فردی موفق‌ترند. در نهایت نتایج نشان داد که رابطه تمامی مؤلفه‌های هوش هیجانی با اثربخشی، در گروه پسران بالاترین میزان همبستگی را دارد.

منابع و مأخذ

۱. بشارت، محمدعلی؛ عباسی، غلامرضا؛ میرزاکمسفیدی، رضا. (۱۳۸۵). «تبیین موفقیت ورزشی در ورزش‌های گروهی و فردی برحسب هوش هیجانی». فصلنامه المپیک، سال چهاردهم- ش ۱ (پیاپی ۳۳)، ص ۸۷-۹۶.
۲. پروین، لارنس ای (۱۳۸۱). روان‌شناسی شخصیت، ترجمه جواد و کدیور، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
۳. تابش، سعید (۱۳۸۳). «مقایسه هوش هیجانی در بین زنان ورزشکار (با مهارت‌های باز و بسته) و غیرورزشکار»، نشریه حرکت، ش ۲۹، ص ۳۳-۴۲.
۴. زند، مدیریت؛ جمهری، فرهاد؛ میرزایی، بهشته (۱۳۸۷). «رابطه هوش هیجانی با انواع سبک‌های مدیریت تعارض»، اندیشه و رفتار، دوره دوم، ش ۸، ص ۳۶-۴۴.
۵. شعبانی، علی؛ فدایی، غلامرضا؛ بشارت، محمدعلی (۱۳۸۸). «سنجش میزان هوش هیجانی کتابداران دانشکده‌های دانشگاه تهران»، مجله کتابداری، سال چهل‌وسوم، دفتر پنجاهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، ص ۲۹-۴۴.
۶. شعبانی بهار، غلامرضا؛ عرفانی، نصرالله؛ پارساجو، علی (۱۳۹۰). «بررسی رابطه سبک رهبری و هوش هیجانی مربیان تیم‌های ورزشی گروهی شرکت‌کننده در نهمین المپید ورزشی دانشجویان پسر دانشگاه‌های سراسر کشور»، مدیریت ورزشی، بهار ۱۳۹۰، ش ۸، ص ۹۳-۱۰۵.
۷. عبدلی، بهروز؛ ثانی، حجت؛ رضایی، زهرا (۱۳۸۸). «منابع پیش‌بینی‌کننده انسجام گروهی در بازیکنان فوتبال از دیدگاه هوش هیجانی»، پژوهش در علوم ورزشی، ش ۲۵، زمستان ۱۳۸۸، ص ۸۰-۶.
۸. عباسی، همایون؛ حمیدی، مهرزاد؛ خبیری، محمد (۱۳۸۸). «بررسی ارتباط مدیریت تعارض و اثربخشی ادراک‌شده در دانشکده‌های تربیت بدنی شهر تهران»، پژوهش در علوم ورزشی، ش ۲۳، تابستان ۱۳۸۸، ص ۱۳۲-۱۲۶.
۹. عبداللهی، حیدر (۱۳۸۸). ارتباط هوش هیجانی با سبک رهبری مدیران واحدهای دانشگاهی تربیت بدنی (دولتی) شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده تربیت بدنی.
۱۰. عیدی، حسین (۱۳۸۶). ارتباط هوش هیجانی اعضای هیئت علمی با اثربخشی دانشکده‌های تربیت بدنی (دولتی) شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده تربیت بدنی.

۱۱. کمالی، امین رضا؛ فاضل، امیر (۱۳۹۰). «بررسی رابطه هوش هیجانی و میزان کارآفرینی دانشجویان»، توسعه کارآفرینی، سال سوم، ش ۱۱، بهار ۱۳۹۰، ص ۱۴۶-۱۲۷.
۱۲. گلمن، دانیل (۱۹۹۵). هوش هیجانی، ترجمه نسرين، پارسا (۱۳۸۹)، تهران، انتشارات رش، ص ۵۹-۵۶.
۱۳. مختاری‌پور، مرضیه؛ سیادت، علی (۱۳۸۵). «مدیریت و رهبری با هوش هیجانی»، ماهنامه تدبیر، سال شانزدهم، ش ۱۶۵.
۱۴. ملکی آواریس، صادق؛ سید کلان، میرمحمد (۱۳۸۷). «بررسی رابطه بین هوش هیجانی و اثربخشی اعضای هیأت علمی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد پارس‌آباد مغان»، فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی، سال دوم، ش ۲، تابستان ۱۳۸۷، ص ۱۳۲-۱۱۵.
۱۵. منصوری، بهزاد (۱۳۸۰). هنجاریابی آزمون هوش هیجانی سبیریا شرینگ در بین دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، تهران، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۶. نقی‌زاده باقی، عباس؛ اسدی حسن؛ گودرزی، محمود؛ سجادی، نصرالله (۱۳۸۹). «بررسی و تحلیل رابطه بین نوع تعارض، سبک مدیریت تعارض و انسجام گروهی با اثربخشی تیم‌های والیبالی باشگاه‌های لیگ برتر کشور و ارائه الگوی کاربردی»، مدیریت ورزشی، تابستان ۱۳۸۹، ش ۵، ص ۷۱-۵۱.
۱۷. یارمحمدی منفرد، سعید (۱۳۸۹). رابطه بین هوش هیجانی و رضایت شغلی معلمان تربیت بدنی، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده تربیت بدنی.
18. Apri, Kurt. (2012). "Emotional Intelligence Of Elite Sports Leaders & Elite Business Leaders ". International journal of business and commerce, vol,1 .No, PP:82-115.
19. Bateman, Billy, Wilson, F. Colin. (2002). "Team effectiveness-development of an audit questionnaire". Journal of managment development, Vol, 21, No:3 .pp, 215-226.
20. Barsade, S. G. (2000). "The ripple effect: Emotional contagion in groups". working paper: New Haven. CT Yale University press. Pp. 136-149.
21. Cherniss, Cary. (2001). "Emotional Intelligence and Organizational Effectiveness". Annual Meeting of society for Industrial and organizational Psychology New. Chapter one. LA, Aprill 15. Pp. 69-73.
22. Drew, Todd L. (2006). "The Relationship between Emotional Intelligence and Student Teacher Performance". Unpublished Doctoral Dissertation. Golman, D. (1998) Working with Emotional Intelligence. Ebook. Pp. 23-37

23. Galloway SH, Groves M. (2006). "Emotional Intelligence and friendship patterns among Sport Studies Students". School of Sport, Performing Arts and Leisure. pp. 98-106.
24. Goleman, D. (2000). "Emotional Intelligence, In Sadock, B and Sadock, V. (ed)". Comprehensive textbook of psychiatry, seventh edition, Philadelphia. pp. 59-63.
25. Goleman D. (2001). "An EI-Based Theory of Performance". Available from: <http://www.eiconsortium.org>. pp. 36-49
26. Goleman D. (2001). " Emotional Intelligence: Issues in Paradigm Building". Available from: <http://www.eiconsortium.org>. pp. 16-28
27. Hemmatinezhad, Mehr Ali. Ramazaninezhad, Rahim. Ghezelsefloo, Hamid. Hemmatinezhad, Mohammad. (2012). "Relationship between Emotional Intelligence and athlete's mood with team-Efficiency and Performance in elite- handball player". International journal of sport studies .No:2(3) ,pp:155-162
28. Jordan, P.J., Ashkanasy, N.M. and Hartel, C.E. (2002). " Emotional intelligence as a moderator of emotional and behavioral reactions to job insecurity". Academy of management review. No:27, pp: 361-385
29. Mayer, J. D. (2001). "A field guide for emotional intelligence". In J. Ciarrochi. J. P. Forgass, & J. D. Mayer (Eds.), emotional intelligence in everyday life, pp: 3 - 24.
30. Mayer, J.D, Salovey, P., and Caruso, D. (2000). " Competing models of emotional intelligence". in R.J. Sternberg (ed), Handbook of human intelligence, Cambridge University Press , second edition, New York, pp. 396-420.
31. Mayer, J. D., & Salovey, P. (1997). " What is emotional intelligence? ". In P. Salovey & J. D. Mayer (Eds.), emotional development and emotional intelligence: pp: 3 - 31.
32. Meyers, M. C., Bourgeois, A. E., Le Unes, A., & Murray, N. G. (1998). "Mood and psychological skills of elite and subelite equestrian athletes". Journal of Sport Behavior. No: 22, pp:399 - 409.
33. Salovey, P., Mayer, J. D., & Caruso, D. (2002). "The positive psychology of emotional intelligence". In C. R. Snyder, & S. L. Lopez (Eds.), handbook of positive psychology, pp: 159 - 171.
34. Wong, C., Law, K.S. (2004). " The effect of leader and follower emotional intelligence on performance and attitude: an exploratory study ". Leadership Quarterly No:13 (3), pp: 243-274.